



۲۰۱۹/۳/۱۴



جلیل غنی هروی

هرات

گرامیداشت قیام بیست و چهارم حوت



مجو حکایت شیرین، کلام ما تلخ است به شهد هم که به پیچی، پیام ما تلخ است
چنان به زهر در آمیخته زبان که سخا به رغم قاعده حتا سلام ما تلخ است
(سید ضیاء الحق سخا)

چهاردهم مارچ ۲۰۱۶ میلادی مصادف است با بیست و چهارم حوت، سالگرد قیام سلحشورانه مردم هرات در سال ۱۳۵۷ هـ ش علیه حکومت کمونیستی حزب دموکراتیک خلق، و گرامی داشت از بیش از بیست هزار شهید گمنامی که به معنی واقعی کلمه «گمنام» قربانی گشته اند.

کودتای کمونیستی هفتم ثور ۱۳۵۷ - بیست و هفتم اپریل ۱۹۷۸ سر آغاز بدبختی ها، خونریزی ها، روی کار شدن نظام دیکتاتوری مبتنی بر آیدیالوژی کفر و الحاد، جنگ های داخلی و برادر کشی، تجاوز قوای اتحاد شوروی وقت (رو سیه امروزی) به افغانستان و حمله بر همه شئون زندگی مردم متدین، وطن دوست، آزادی خواه و پابند عنعنات و رسوم مختص به این محدوده جغرافیائی بود که دامنه آن خونریزی ها سالها دوام نمود و با درد که هنوز هم به شکل دگری ادامه دارد.

عدم رعایت اعتقادات، ارزش های خانوادگی، فرهنگی و اهانت به این ارزش ها، سبب شد تا مردم هرات باستان و سائر نقاط افغانستان در مقابل سیاست ها و مظالم حکومت تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق، با حمایت اتحاد شوروی سابق، دست به اعتراض و قیام همگانی بزنند.

قیام بیست و چهارم حوت ۱۳۵۷ هجری شمسی در هرات از روستا های اطراف شهر آغاز و به شهر رسید. این یک قیام خود جوش به معنی واقعی آن بود و از قریه سلیمی در ولسوالی پشتون زرغون در جنوب، ولسوالی های غوریان و زنده جان در غرب، کرخ در شرق و رباط سنگی در شمال آغاز شد و این روستا زادگان پاک طینت و آزاده برای دفاع از نوامیس ملی، ارزش های فرهنگی و اعتقادات شان به شهر سرازیر شدند تا اعتراض شان را در برابر سیاست های غلط و مغایر تمام ارزش های حاکم بر جامعه سنتی ابراز دارند. این قیام نه رهبری داشت و نه پیشوائی، نه امیری و نه قوماندانی و نه در پی دستاویز و اجازه ای بود برای این قیام، نه تنظیمی در آن دست داشت و نه رهبری و نه گروهی از افراد. فقط به معنی واقعی کلمه خود جوش بود. در مدت شش روز، بین بیست تا بیست و پنج هزار فدائی سر سپرده راه حق و عدالت صادقانه و با خلوص نیت و ایمان داری، برای حفاظت و حراست از مقدسات و فرهنگ و عنعنات و ارزش های والای عقیدتی و ملی شان، و برای انجام وجیبه دینی و ملی شان جام شهادت نوشیدند.

احمد رشید نویسنده کتاب «سقوط در هرج و مرج» می نویسد که دو ماه بعد از قیام هرات از آن ولایت دیدن نمود و پس از دو ماه هنوز هم بوی تعفن خون گندیده در شهر، انسان را اذیت می کرد. این اظهارات او گفتار همه چشم دید ها و خاطرات تلخ و فراموش ناشدنی شاهدان عینی را به اثبات میرساند که واقعاً جوی های خون در شهر روان بود و غمالت حکومت کمونیستی و مشاورین روسی آنها از هیچگونه وسیله و خشونت برای قتل عام ابا نورزیدند و آنانی را که اندکی مخالفت هم با رژیم خونخوار داشتند، نابود کردند.

یارب به کسانی که جگر سوخته اند یک عمر متاع درد اندوخته اند خاکم به هوای آن جوانمردان کن کز هرچه به جز تو، دیده بر دوخته اند

(استاد خلیلی الله خلیلی)

به یاد بود از همین شهدای جان باخته که تعداد آنها بین بیست تا بیست و پنج هزار نفر درین مدت شش روز ثبت شده همه ساله در داخل افغانستان و افغان هایی که در خارج از کشور زندگی می کنند محافلی با ختم قرآن کریم و اتحاف دعا به روح این شهدا و سائر شهدای که تا همین اکنون در افغانستان قربانی وحشت گران و دهشت افکنان و دشمنان خاک و وطن و مردم شریف و آزادی دوست افغانستان می شوند، بر گذار می گردد. قیام بیست و چهارم حوت در هرات، قیام های کنر، دره صوف، کابل، قندهار، مزار شریف، مناطق جنوبی، شمالی و مرکزی و همه زوایای افغانستان یک پارچگی ملت با شهامت افغان و همدردی و همنوایی همه اقشار جامعه را نشان میداد که تا آن زمان دست چپاولگران و اختطاف گران جهاد و فرصت طلبان آزمند جاه و مال و منال از احساسات پاک و بی آلایش ملت سوء استفاده نکرده بودند. ملت افغانستان تا همین اکنون قربانی این دست اندازی ها و دسیسه سازی ها و آزمندی های سودجویان و شئونت طلبان داخلی و خارجی است و با انواع دسیسه ها و به هم انداختن تفتین ها سعی می کنند از همنوایی، وحدت، همبستگی ملت با شهامت که از قرن ها به اینطرف برادر وار با هم زیسته اند، با هر وسیله و نیرنگی تلاش مذبحخانه دارند جلوگیری نمایند چون می دانند که اتحاد و همبستگی این ملت بزرگترین و نیرومند ترین حربه و ابزار در برابر همه پلان ها و دسایس دشمنان داخلی و خارجی افغانستان است.

هزاره کیست؟ پشتون کیست؟ تاجیک کیست؟ از یک کیست؟ اساس فرقه سازی های استعمار را بشکن

(استاد خلیل الله خلیلی)

بر جوانب مختلف قیام ۲۴ حوت ۱۳۵۷ هرات، و سائر مناطق افغانستان و پیامد های آن توسط دانشمندان و محققین بار ها روشنی انداخته شده. همه به یاد دارند که با پیروزی ملت افغانستان بر قوای تجاوزگر اتحاد شوروی سابقه و حکومت دست نشانده آن، تیکه داران آزمنده و قدرت طلبان بر سر این ملت مظلوم بعد از قربانی یک و نیم میلیون چه آوردند و چه خاطرات تلخ و ناگوار و چه ویرانی های خاصاً بر شهر زیبای کابل که خط مقدم جنگ های قدرت طلبی و تنظیمی بین گروه های بود که بیش از ده سال داد از حاکمیت قانون و حق و عدالت و تأمین رفاه و آسایش مردم تحت رهبری حکومت اسلامی! می زدند که آنها تأسیس نمایند، هنوز هم قلب های درد مند مردم را می آزارد. ولی همه شاهد چنان حکومت داری و چنان «رفاه و آسایش» بودند که در نتیجه گروه ویرانگر دیگری به نام «طالب» برای سرکوبی و نابودی آنها تشکل داده شد تا این ملت بیچاره را از زیر ستم و بیدادگری خود کامگان جاه طلب و جنگجویان نجات دهند ولی آن گروه هم به نحو و منال دیگری این ملت را در زندان بزرگتری ولی با همه قیودات یک زندان و حتی شدیدتر از آن به فرمان بداران خارجی اش قرار داد. ب

حادثه و ارزیابی همه مظالم دو حکومت مجاهدین و طالبان تکرار درد آور حوادثی بود و خواهد بود برای تازه ساختن و یادآوری از رنج ها و مصیبت ها و درد از دست دادن عزیزان برای خانواده های به ماتم نشسته.

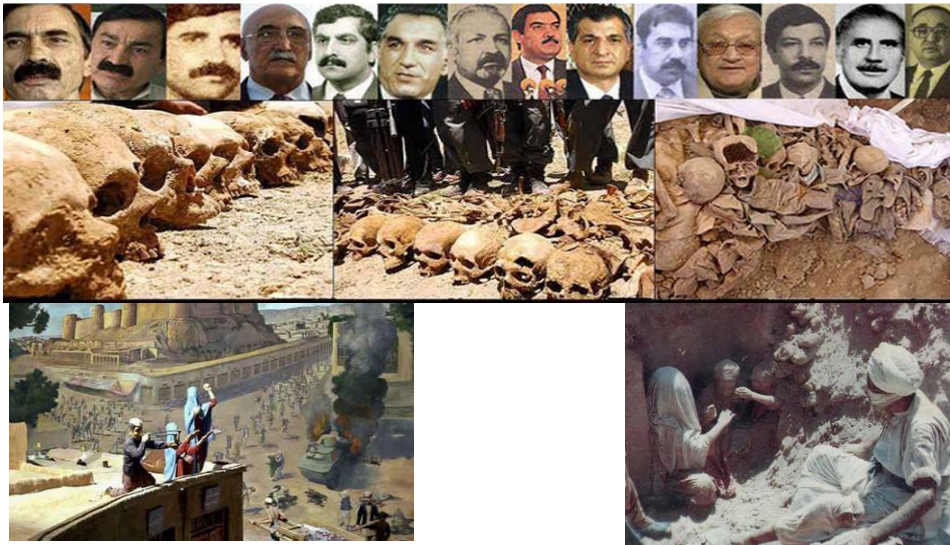
ولی در خور یادآوری است از بیش از یک میلیون شهید گمنامی تجلیل و بزرگداشت به عمل آید و بر روح پاک و ملکوتی آنها اتحاف نمود که نام اکثریت آنها در هیچ جایی، هیچ نوشته ای، هیچ اثری و هیچ سندی برده نشده و به معنی واقعی و حقیقی کلمه «گمنام» در راه حراست و دفاع از ایمان و عقیده و دفاع از اعتقادات پاک و بی آلابش و ارزشهای فرهنگی شان جام شهادت نوشیده اند. جز سینه پُر درد عزیزان شان، نزدیکان و خانواده های به غم نشسته که سیمای ملکوتی و اسمای مبارک این شهدا در آن حک شده نامی و نشانی از آنها دیده نمی شود.

در جهان هم رسم بر اینست که همواره زمانی که از سربازان سابقه و کشته شدگان جنگ های آزادی خواهی و یا هر جنگ دیگری، وطن خواهانه و دفاع از نوامیس ملی و تمامیت ارضی یاد بود به عمل می آید، بر آیده ای به نام "سپاهی گمنام" گل گذاری می شود، نه بر مقبره یک قوماندان جبهه، وزیر جنگ و یا رئیس جمهور و یا سلطان و امیر همان زمان.

به همه قوماندان ها و رهبران جبهات جهاد مقدس افغانستان که صادقانه و بدون چشم داشت به چوکی و مقام و مال و منال راه قربانی دادن درین راه را انتخاب کردند سر تعظیم فرود می آوریم، ولی آنانی که بعد از ختم جهاد آزادی طلبانه مردم افغانستان هنوز هم برای بدست آوردن قدرت و مقام و یا حفظ آن، سلاح بر داشتند و تا همین اکنون هم از این ملت ستم دیده و زجر کشیده قربانی می گیرند و کشتار را وسیله حاکمیت و تحمیل نمودن شان بر کرده ملت می دانند، نفرین می فرستیم. آنها نزد پروردگار شان جواب گوی خواهند بود و در قضاوت تاریخ قرار خواهند گرفت.

تا کی پی سنان و شمشیر شوی تا چند پی خدعه و تدبیر شوی
آن پیشه شیر باشد این از روباه آدم چو شوی زهر دو دلگیر شوی

(استاد خلیل الله خلیلی)



پایان



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "ارشیف" شان رهنمائی شوند.